



انتخابات دور دوم ۲۰۱۴ افغانستان، بررسی تفاوت

بروز شنبه 14 جون مطابق 24 جوزای 1393 دور دوم انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان بر گزار گردید. رفتن مردان، زنان اعم از سالمند و جوان با صف کشیدن شان بطرف صندوق های رأی، در سطح شهر ها و مناطق دوردست، در واقعیت ادامه همان یک انقلاب در هیجان، تبارز اراده بدون ترس، روان و جهش خودجوش اجتماعی مردم است که در دور اول انتخابات به نمایش گذاشته شد و در دور دوم بر آن مهر تأیید و ادامه گذاشته شد.

انتخابات دور دوم به همان گونه که عین تهدیدات، ایجاد خوف و ارباب طالبان و همچنان ایجاد بعض حوادث امنیتی را در قبال داشت، مشخصات و تفاوت های را نیز در مقایسه با انتخابات دور اول داشته است.

در این انتخابات باز هم نیرو های دفاع ملی، پولیس ملی و ریاست امنیت ملی کشور با فداکاری و در یک پلان قابل توصیف و تمجید توانستند جلو حملات وسیعاً پلان شده طالبان را بگیرند و در نهایت موقف رزمی و دفاعی خود را در یک وزنه غیر قابل مقایسه با طالبان به نمایش گذارند.

طالبان تاریک بین با همان مغز های منجمد و متحجر شان از 246 حمله و تهدید و تخویف مردم گزارش دادند ولی در هیچ خبر و گزارشی کدام علامه مبنی بر موفقیت شان، جز کشته شدن تعداد بیگناهان در نتیجه انفجار ماین های کنار جاده ها، محسوس

نبوده است. بدون شک این فعالیت های تخریبی توسط طالبان در جلوگیری از تبارز اراده ملت به هیچ صورتی توانائی این گروه را بحیث یک اپوزیسیون مسلح در پروسه های بعدی و بخصوص مذاکرات صلح قابل محاسبه نشان نمیدهد. در اینجا این سوال هم مطرح میگردد که آیا طالبان توسط دولت در یک انتخاب جنگ با صلح قرار داده شوند و یا طالبان و حمایت گران روی پرده و عقب پرده شان دولت آینده افغانستان را به یک انتخاب مصالحه و موافقه (دو جانب متساوی القوه) و یا هم یک معامله و ادار خواهد ساخت.

در دور دوم انتخابات بخش از روشنفکران در دو استقامت متفاوت اندیشه ها و تراوش های فکری ، پیشینی ها و نتیجه گیری های شان را با استفاده از جهان پهناور انتربیتی بصورت مقالات و یا صفحه های فیس بوک انعکاس و در دسترس خواندن و قضاوت خواننده قرار دادند.

اکنون ما در آستانه نتایج این انتخابات قرار داریم که با کمال تأسف در معرض چالش های جدید قرار گرفته است آرزو های مانند امنیت ، ثبات ، روند ملت سازی ، وفاق و در نهایت حفظ و استحکام ارزش های دموکراسی ، عدالت و احیای حاکمیت قانون و زدایش فساد در معرض تهدید قرار گرفته اند که ملت به همان امید ها بطرف صندوق های رای رفتند و تبارز اراده را بر ترس و تشویش و گذاشتن انگشت بالای ماشه تفنگ را بر نشانند انگشت رنگین بر یک ورق انتخاب رجحان دادند.

در مقاله هذا میخواهم همین چهار مسأله فوق را در نبشته زیر به یک توضیح و تبصره گیرم. نویسنده در این مقاله و یا هر نبشته دیگری خود را بر حکم مسئولیت ملی و وطنی و بر حکم تعهد بر وفاق ملی ، ترقی خواهی تلاش خواهد نمود تا یک محتوای غیر جانبدارانه را در دست قضاوت و نتیجه گیری خواننده گرامی قرار دهم.

رای دهی برای انتخابات با وجود تهدید های وسیع طالبان در یک صبح امیدبخش آغاز و به یک انجام موفقیت بار در عصر همان روز به پایان رسید. تجارب ناشی از کمبودی های دور اول انتخابات تا اندازه سهولت های جدید را در قبال داشت. با وجود اینکه میزان رفتن تعداد از مردم به پای صندوق های رای در شهر ها کمتر بوده است ولی میزان اشتراک مردم در چند ولایات بیشتر از حد قابل پیش بینی قبلی بوده است. در هر حالتی انتخاب مردم در دور دوم در یک حدود قابل تفاوت با دوره اول تحت تأثیر تمائلات دیگری هم بوده تا انتخاب بر پالیسی ها و پروگرامهای انتخاباتی. که ما این موضوع را در بحث مربوط بیشتر به توضیح خواهیم گرفت.

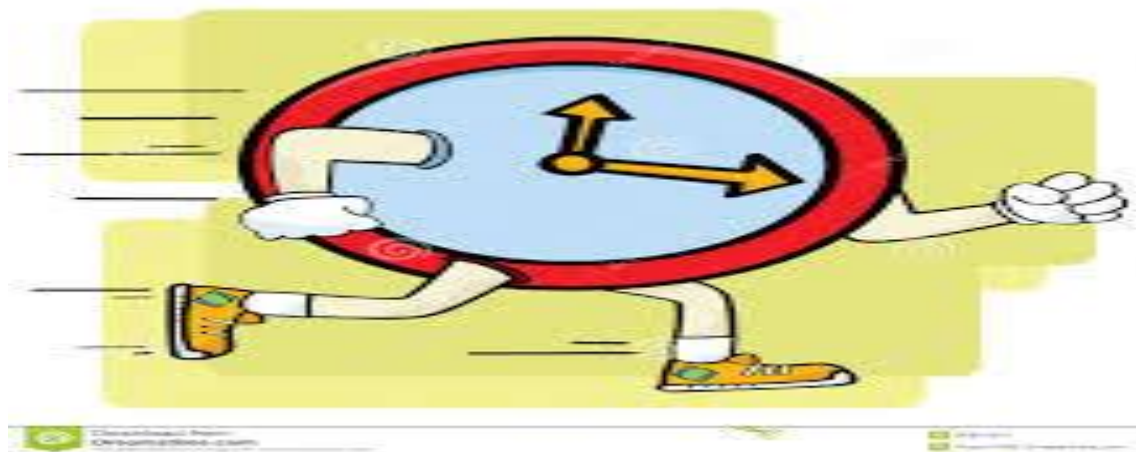
طالبان باز هم انگشتان 11 تن از رای دهنده گان را بریدند که بیشترین شان موسفیدان و روحانیون بودند که به پای صندوق های رای رفته بودند. گر چه طالبان در ویب - سایت شان از انجام این عمل انکار نموده اند ولی سوال بر انگیز است که ارتکاب این جرم غیر

انسانی در دور اول انتخاباتی در ولسوالی پشتون زرغون هرات و اکنون ولسوالی رباط سنگی به عین شکل و در دو منطقه انجام یافته اند که طالبان خود را در آنجا مسلط مینامند و حوادث جنگی و قتل و انفجارات در این دو منطقه مکرراً اتفاق میافتد. از جانب دیگر طالبان قبلاً در سایت انتر نتی شان مردم را از عواقب " وخیم" رفتن به پای صندوق های رای اخطار داده بودند. خواننده محترم موقف طالبان و اراده ملت را در دو تصویر زیر در مقایسه و قضاوت قرار دهد.



(ساعت اخطاریه طالبان از ویبسایت انتر نتی شات برداشت گردیده است)

پیام و سمت عقربه ساعت طالبان: لحظه به لحظه مین گذاری کنید، کلک های پر رنگ انتخاب کننده برا ببرید، خون بریزید تا ملت نتواند انتخاب خودش را کند.



پیام ساعت ملت: وقت را از دست ندهید از لحظه به لحظه طلانی استفاده نمائید و سر نوشت خود را خود تعیین کنید. بدون ترس از تهدید، ارباب و خوف دشمن ملت، با اراده متین به پای صندوق های رای بروید.

طالبان در تمامی تبلیغات شان اصل دموکراسی و حق انتخاب را بر بنیاد پالیسی های افراطگرایانه شان مردود و آنرا سیاست آمریکائی و کفر میدانند. اندیشه جنگ، زور و استبداد و قضاوت در عمل و در برابر انسان دیگر اندیش سیاسی و یا مذهبی و استفاده از احساسات و روان مذهبی و تمائلات مبنی بر تعلیقت ها مشخصات آنان است که از زمان

ایجاد طالبان ، کسب قدرت در افغانستان (1996-2001) و آغاز و ادامه جنگ در 14 سال اخیر بدون کدام تغییر و انعطاف وبدون در نظر داشت پروسه های تغییر و تحول یافته در افغانستان ادامه داشته است. چنانچه عبدالوکیل متوکل یکی از چهره های طالبی که خود را در لست طالبان میانه رو قلمداد میکند، در مصاحبه سه هفته قبل خود یکباردیگر صلح با طالبان را با تغییر در قانون اساسی و تغییر در ساختار دولت مشروط دانست و به عقیده وی در غیر آن ادامه جنگ توسط طالبان را (با الفاظ غیر مستقیم)، مشروع و اجتناب ناپذیر و غیر قابل پایان دانست. در اینجا یک مسأله قابل تفکیک و مقایسه و قابل دقت متباز میگردد و آن اینکه که ملت و جهش خود جوش مردم گذار بطرف حفظ ارزش های دموکراسی ، جامعه مدنی و قانون اساسی را انتخاب نموده است که در این جهش دارد که تمایلات مذهبی، قومی و زبانی در یک روند معین زمانی کم رنگ تر میگردد و زمینه ها برای روند ملت سازی (یک ملت و یک دولت) در تضاد روشن با اهداف بدون تغییر طالبان است. پس در اینجا انتخاب مردم در یک تحرک خود جوش و رفتن به صندوق های رای یک جواب واضح هم در برابر جنگ و اهداف طالبان بوده است.

اگر ما جریان آمدن طالبان را در روی صحنه جنگی و سیاسی در افغانستان طی سالهای 1995 در یک دید مقایسوی و در مشابهت ها بخواهیم ببینیم، میتوان دیدگاه و عملکرد و انتخاب مردم را از یکی از دو گزینه در سوریه، اکنون عراق به وضاحت به مثال گرفت. تحرک داعش در عراق که بیش از 5000 جنگجو را در اختیار ندارد، حدود یک میلیارد و هشتصد میلیون دالر پول نقد را در اختیار دارند که منبع و منش این پول گزاف گنگ و مبهم است.

(تذکر: در یکی از برنامه های تلویزیون هالند 10 می 2014 در مورد رئیس استخبارات عربستان سعودی " بندال بن سلطان" گزارشی به نشر رسید که موصوف بهترین دوست جورج بوش صد ها میلیون دالر پول انگلستان را در جیب زده است که به مقصد تشنج و جنگ در تونس، لیبیا و سوریه باید به نیرو های اسلامگرا داده میشود. این فرد از مدت یکماه بدین طرف مفقود الاثر است. این گزارش را که به زبان انگلیسی تهیه شده است در بخش اخیر پروگرام تماشا نمائید:

<http://www.uitzendinggemist.nl/afleveringen/1416140>(

، این تحریک با استفاده از احساسات مذهبی در مناطق سنی نشین امارت هارون الرشید را به مردم وعده میدهند و برای اهداف خود روزانه صد ها نفر را بصورت دسته جمعی به گلوله میبندند، عین عمل که گروه های تند رو سنی مذهب در سوریه روزانه صدها جرم ضد بشری را (سربریدن و به گلوله بستن) انجام میدهند. چنانیکه طالبان و حلقات دیگر خارجی شان در یک همدمستی و عمل مشابه سر میبرند، مین های کنار جاده

را انفجار میدهند و در محلات غیر نظامی انفجارات را انجام میدهند و از احساسات مذهبی و قومی مردمان سو استفاده میکنند

با در نظر داشت توضحات فوق قابل مکث است که آمریکا در یک تفاهم نا مکشوف و سوال بر انگیز و احتمالاً در یک بازی پلان شده پنج تن از سران طالبان را که " گویا فیگور های کلیدی" برای مذاکره با طالبان و رسیدن به صلح و مصالحه در افغانستان خواهند بود ، آزاد نمود در حالیکه هر کدام آنها ، به قول و شهادت مردمان اهالی بعضی مناطق کشور مرتکبین صد ها مورد قابل اثبات ارتکاب جرایم بشری و جنگی و در تبنانی مستقیم استخبارات نظامی پاکستان متهم اند، باز هم تلاش میشود تا آنان به روی صحنه سیاسی افغانستان آورده شوند. در این مضحکه نقش و موقف حقوقی و سیاسی دولت افغانستان که باید ممثل اراده و حاکمیت ملت باشد، به هیچ گرفته شده است. این تطبیق یک پلان که در آن نمیتوان برخورد " استریو تیپ" دستگاه های آمریکا و انگلستان را غیر قابل انکار و سوال بر انگیز ندانست.

در هفته های قبل از انتخابات باآنکه تعداد از صفحات انترنتی و فیس بوک میدان در گیریهای های قلمی (شمشیر کشی قلمی) تعداد از روشنفکران در برابر یکدیگر بوده اند که در هر حالتی این درگیری ها جو قلمی تحلیل ها و ارائه نقاط نظر در برابر سرنوشت ملت و مردم را تا اندازه تحت سایه قرار داد و حتی توانائی فکری بعضی مغز های خوب متفکر را هم در انجماد قرار داده است. با کمال تأسف این تعداد فرزانه اندیشان خود و توانائی های (تحلیل و نظر) خود را در چنین حالت و موقع حساس متمرکز به یک گذشته مینمایند که بدون شک میتواند در یک موقع مناسب دیگری هم موضوع گرم مورد تبادل نظر و جرو بحث های حل برانگیز گردند. هدف من در معرفی این کتاب و یا یک مقاله نیست بل موضعگیری ها و عکس العمل های احساساتی در سطح برخورد های تخریش کننده و نا میمون حتی در سطح اهانت های شخصی و خانواده اند که بدانها توصل صورت گرفته است.

ولی در جهت دیگر مقالات و ارزیابی های زیاد دلچسپ ، آموزنده و در خور توجه عمیق از روند ها ، امکانات و زمینه های ممکن برای ایجاد و استحکام یک جامعه با ثبات و گره زدن منافع مشروع در سطح یک ملت واحد و دفاع از مشروعیت انتخابات و ارزش های قانون اساسی توسط نویسندگان اهل تفکر ، خرد و مسلک ترقیخواه به رشته تحریر در آورده شدند. برای نویسنده مهم این نیست که کی با کدام طرز دید و نتیجه گیری ها از گذشته خونین 35 سال یک مقاله را به رشته تحریر آورده است بلکه اثر بخشی از هر یک از امکان و مجرا برای دفاع از ارزش های که منافع سیاسی- اجتماعی همه اینان در آن نهفته اند، میباشد و آن دفاع مشترک از اصل مشروعیت حقوقی و ارزش های دموکراسی و جامعه مدنی اند. هر مقاله ، چه یک و چه در یک تسلسل (قسمت ها) ،

جهات و زوایای مختلف جامعه افغانی ما را به ارزیابی گرفت و طرح های مشخص را نه برای این یا آن کاندید انتخاباتی بل برای پشتیبانی از یک روند عادلانه و شفاف، دفاع از ارزش های دموکراسی، قانون اساسی وفاق ملی، ایجاد یک دولت ممثل اراده ملت و " قوم بزرگ مظلومان و فقیران " که در آن مزربندی میان این یا آن قوم، تبار، مذهب و زبان مطرح بحث، تمائل و علاقه نبوده اند.

از نظر نویسنده این مقالات با استفاده موثر از دنیای پهنآور انتر نتی میتواند یکی از موثر ترین زمینه های اثر گذار تحریک احساسات برای گرایش های همسوئی، وفاق و دفاع از ارزش های باشد که بقای ملت، ترقی، تحول و عدالت و حاکمیت قانون در گرو آنها است ولی تعداد از تحصیل کرده های ما هم بودند و هستند که در روند انتخابات از حدود مشروعیت و حرمت و احترام به شخص عدول و خود و توانائی های شان را در جانبداری های کاندیدها بر مبنای تعلقیات قوم و زبان بکار گرفتند. به بیان دیگر در دستی شعار اتحاد و همسوئی گرفتند و در دست دیگر گرایش واضیح بر مبنای قوم و یا یگ گروه اتنیکی معین.

اکنون که تمام امید های ملت که در فوق از آن تذکر داده شدند کجا با روند انتخابات به چالش های جدی و جدیدی مواجه گردیده اند. تنها احترام به اراده و رأی مردم و ارزش های قانون اساسی را در برون رفت از بحران مشروعیت و رفع معضله در انتخاب یک کاندید که به حق آرای بیشتر را بدست آورده است، متبازر میسازد.

انتخابات دوره دوم بعض تفاوت های را در مقایسه با دور اول داشته است که احتمالاً این تفاوت ها تغیر آرا را برای کاندید ها نیز محتمل میساز که ما این تفاوتها را چند نکته زیر ممکن و محتمل میدانیم:

یک: تعداد از واجدین شرایط رأی که در دور اول به نسبت دلایل مختلف از حق رای خود استفاده نکردند و احتمالاً تحت تأثیر تهدید های طالبان و یا جدی نگرفتن به روحیه و جهش بزرگ مردم، حالت پسیف را در اختیار نموده بودند که در دور دوم با روحیه جدید و بخاطر شراکت در جهش مردم بطرف صندوق های رای رفتند.

دو: تعداد از قوماندانان و یا افراد صاحب زور زر و یا نفوذ در انتخابات اولی آن پیشیبانی را که از یک کاندید اولی نموده بودند، در دور دوم بخاطر حفظ منافع و کسب تضمین های معین از کاندید دیگر نمودند. به بیان دیگر میزان آرای دو کاندید پیشتاز در دور دوم هم احتمالاً دچار تغیرات گردیده باشد.

سه: در انتخابات دور دوم تعداد بیشتر از بعض مناطق احتمالاً تحت تأثیر علایق و تعلقات قومی و منطقوی به طرف صندوق های رای رفته اند که در دور اول علاقه مندی به

انتخابات نداشتند و یا هم این تعلقات در رفتن به طرف صندوق های رای و تغییر در فیصدی رأی یک کاندید به کاندید دیگر صورت گرفته باشد.

چهار: شیوه و مهارت ها در کمپاین های انتخاباتی در دور دوم ، درانتخاب انتخاب کننده نیز احتمالاً تغییر وارد نموده است. مثلاً در دور دوم یک کاندید در همه برآمد ها نقش اولی را به خود اختصاص داد و توضیح پروگرام های انتخاباتی کمرنگ تر در محراق توجه انتخاب کننده قرار داده شد. در حالیکه کاندید دیگر معاونین و چهره های صاحب نفوذ را در برآمد های انتخاباتی چانس و زمینه داد تا آنان بحیث نماینده گان یک مذهب، گروه اتنیکی و یا یک حلقه روشنفکری ، تحصیل کرده و متخصص و یا هم جوانان و زنان پیام ها و پروگرامهای معین را به گروه مورد نظر برسانند. از نظر نویسنده این تفاوت در شیوه کمپاین انتخابات دور دوم قویاً محسوس بوده است. یکی از مسایل که یا برای یک انتخاب کننده غیر قابل دلچسپی و برای دیگری تحریک بر انگیز بوده است این که وعده ها در بزرگ سازی بعض ساختار های ادای (از ولسوالی به ولایت) چگونه تأثیر در تغییر احتمالی در رأی انتخاب کننده داشته است.

پنجم: در دور دوم تناسب در پیوستن کاندید های دور اول به یکی از دو کاندید پیشتاز که در دور اول جواب و پیام روشن ملت بر بعضی از کاندید ها و پروگرامهای انتخاباتی شان داده شده بود، نیز در دور دوم تغییر نمود که انتخاب کننده احتمالاً در موضع گیری اول خود تجدید نظر نموده باشد.

ششم: چنانیکه تقلب و استفاده غیر مشروع از رای مردم در انتخابات دور اول مشهود بود، در دور دوم شکل سازمانیافته را به خود گرفت. از تقلب در دور دوم نمیتوان انکار نمود. این تقلب ها به احتمال قوی ناشی از پنج دلیل فوق شکل گرفته باشد که تضمینی باشد برای برد (بر بنیاد تقلب) یک کاندید باشد.

اکنون که ملت نتیجه آزمایش یک روند مشروع و شفاف را برای انتخاب یک رئیس جمهور و تعیین سرنوشت ملت و مردم را میخواهد بدست آورد و به یک پروسه مشروع و شفاف باورمند گردد، ضروری است تا:

مسأله تقلب و در روشنائی مشروعیت و احترام به ارزش های عدالت انتخاباتی و قانونیت باید با بکار گیری هر زمینه و امکان که در آنها یک راه حل قطعی و قابل قناعت طرفین و قناعت انتخاب کننده باشد ، ممکن گردد.

برای نجات از بحران سوال همسوئی ، همکاری ، گره زدن هدف واحد یعنی جلوگیری از عمیق شدن بحران در ایجاد تماس هاس مستقیم و با میانجیگری یک نیروی کاملاً غیر وابسته و غیر جانبدار ممکن گردد تا هر دو کاندید پیشتاز با ادای دین بزرگ و پر مسئولیت مستقیماً به حل بحران و به دریافتن راه هی ممکن و عملی فایق و نائل آیند.

پایان